شهید امدادگر

روایت عاشقانه‌های یک شهید امدادگر

علیرضا مریمی، اول بهمن سال ۱۳۴۶ در مشهد دیده به دنیا باز کرد. قبل از رسیدن به سن مدرسه در مکتب، قرائت قرآن یاد گرفت. دوران دبستان را که طی می‌کرد، همراه پدر به جلسات آموزش علوم دینی هم می‌رفت. قیام مردم علیه رژیم ستم شاهی که شکل گرفت، علیرضا ده، یازده ساله بود. هم‌گام با مردم در تظاهرات شرکت می‌کرد. انقلاب که پیروز شد، به بسیج پیوست. شب‌ها در پایگاه نگهبانی می‌داد. همراه با دیگر بسیجیان شب‌ها، گشت‌زنی می‌کرد.

سال ۶۶ از دبیرستان شهید فرازی در منطقه مطهری شمالی، در رشته تجربی دیپلم گرفت. امتحانات آخر سال که تمام شد، دوره امدادگری گذراند. از طریق جمعیت هلال احمر به عنوان امدادگر، به کردستان اعزام شد. دو ماه بعد برای ده روز به مرخصی آمد.

خانم سیده طاهره سجادی، مادرش نقل می‌کند: «علیرضا یک هفته بیشتر خانه نماند. گفتم چند روزی صبر کن تا پدرت از سفر برگردد، بعد برو. ما را بی سرپرست نگذار. گفت مادرجان، سرپرست همه خداست. باید هرچه زودتر برگردم منطقه. منافقین و گروهک کومله هر روز از رزمندگان ما قربانی می‌گیرند. پیروزی ما وقتی است که همه دشمنان انقلاب ریشه‌کن شود. شهریور رفت. هفتم مهرماه خبردار شدیم، منافقین و کومله به پادگان آنها حمله کرده‌اند. همه رزمندگان را به شهادت رسانده، پادگان را آتش کشیده‌اند. از خواهرش مریم شنیده بودم که همان دوستانش که آمده بودند در خانه، باز آمدند. نوبت اول خبر قبولی دانشگاهش را آوردند. می‌گفتند خودشان اسمش را دیده‌اند. زده بودند روی دیوار کنار مدرسه. این بار هم خودشان دیده بودند. می‌گفتند خودش بوده. در معراج، بین شهدا. بدنش سوخته بود. آنها ولی دوستشان را خوب می‌شناختند. سیزدهم آبان پیکرش آمد. معراج شهدای شهرک امام هادی(ع). از چهارراه خسروی تا حرم مطهر امام رضا(ع) روی دست مردم رفت. در گلزار شهدای خواجه ربیع، پیش دوستانش آرام گرفت.»

آموزش

اقدامات حفاظتی و مراقبتی در حین وقوع سیل

- **برای اطلاع از وضعیت و دریافت اطلاعات لازم، اخبار و اطلاعات را از منابع رسمی به ویژه رادیو و تلویزیون دنبال کنید. درصورتی‌که از منابع رسمی یا از طریق بلندگوهای عمومی دستور تخلیه داده شد، بلافاصله همسایگان و اطرافیانی که در معرض خطر سیل هستند باخبر کرده و هر چه سریع تر منطقه در معرض سیل را ترک کنید.**
- **قبل از ترک خانه، در صورت امکان و داشتن زمان کافی، اسباب و اثاثیه مهم و اشیای گران قیمت را به طبقه بالای خانه منتقل کنید.**
- **اگر خانه شما در محل مرتفعی است و خطر آب‌گرفتگی شما را تهدید نمی‌کند، نیاز به خروج از منزل نیست. در غیر این صورت مناطق کم ارتفاع را خیلی سریع ترک کنید و به مناطق مرتفع دور از رود خانه‌ها و نهرها بروید.**
- **زمانی که تشخیص دادید سیلاب در حال شکل‌گیری است، خیلی سریع عمل کرده قبل از اینکه راه‌های دسترسی به وسیله سیل قطع شود خود را نجات دهید و به یک محل امن بروید. در چنین وضعی باید فوراً کیف شرایط اضطراری را بردارید و به نواحی مرتفع پناه ببرید.**
- **قبل از ترک خانه، جریان آب، برق و گاز را برای جلوگیری از آب‌گرفتگی، برق‌گرفتگی و انفجار قطع کنید.**
- **چنانچه برنامه‌ای برای تخلیه اضطراری تدارک ندیده اید به محل‌هایی که جمعیت هلال احمر و سایر مراکز امدادی برای اسکان در نظر گرفته است، مراجعه کنید.**
- **حیوانات خانگی را در صورت تخلیه اضطراری با خود ببرید، آب، غذا و دیگر لوازم مورد نیاز آن‌ها را با خود بردارید.**
- **با اطلاع از وضعیت جاده‌ها و پل‌ها، از مسیرهای اصلی تردد کنید و به هیچ‌وجه وارد بیراهه‌ها نشوید، بعضی راه‌ها ممکن است مسدود بوده و یا شما را به سمت خطرات بیشتری سوق دهد. از توصیه‌های مسئولین محلی پیروی کنید، آن‌ها شما را به سمت ایمن‌ترین راه هدایت می‌کنند.**
- **از مناطق در معرض سیل مانند نواحی پست، زیرگذرها، دره‌ها، تنگه‌ها و... هر چه سریع‌تر خارج شوید.**
- **از فاضلاب‌ها و جویبارهای به ظاهر آرام دوری کنید. به خاطر داشته باشید جویبارها، کانال‌های فاضلاب و... نیز می‌توانند به ناگهان دچار سیلاب شوند.**
- **از سواحل یا حاشیه رودخانه‌ها دور شوید.**
- **در جریان سیل شنا نکنید، خطر غرق‌شدگی به دنبال دارد.**
- **اگر پیاده هستید، هرگز از منطقه‌ای که سیلاب فراگرفته عبور نکنید، به‌ویژه نقاطی که سطح آب از زانوی شما بالاتر است.**
- **در منطقه سیل‌زده رانندگی نکنید، وسیله نقلیه، محل امنی در مقابل سیل نیست.**
- **از سلفی گرفتن و فیلم‌برداری از سیلاب خودداری کنید و هر چه سریع‌تر از منطقه در معرض خطر خارج شوید.**

نوبت اول

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه)
شماره ک م خ/۱۴۰۳/۰۰۷ ارائه خدمات بهره برداری، نگهداری و تعمیرات دستگاهها و ماشین آلات و کلیه تأسیسات منطقه خارگ و سکوهای دریایی آن

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد فراخوان مناقصه فوق را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت و تحویل اسناد ، صرفاً از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۹۴۳۹۵۰۰۰۰۰۸ انجام خواهدشد. لازم است پیشنهاد دهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار: تلفن: ۰۲۱۲۳۹۴۶۵۵۴ - ۰۲۱۲۳۹۴۶۵۸۰

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

شناسه آگهی : ۱۸۵۰۹۵۶

روایت ۴۷ سال خدمت مشتاقانه در هلال احمر

عاشقی هنوز ادامه دارد

[سیما فراهانی] عاشق لباس هلال احمر است. کار امدادگری را در زلزله طبس آغاز کرد و بعد از آن امدادگر ماند و با همین نام بازنشسته شد. خاطرات تلخ و شیرینی را از روزهای امدادرسانی دارد. خاطرات تلخی که باعث شد حتی یک سال افسردگی بگیرد، اما باز هم نتوانست از این کار دست بکشد. با وجود حال بدش، باز هم سر صحنه‌های مختلف می‌رفت و هرکمکی از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد. در زلزله بم از خودکشی یک جوان جلوگیری کرد و درنهایت توانست از آن جوان، یک امدادگر موفق بسازد. حمیدرضا شعاعی پیشکسوت هلال احمر است که با وجود اینکه ۱۸ سال پیش بازنشسته شد، ولی هنوز با جمعیت همکاری دارد و نمی‌تواند از این خانواده دست بکشد.

با نام زیبای امدادگر آغاز کردم

حمیدرضا شعاعی در گفت‌وگو با خبرنگار «شهروند» از سال‌های اولی که وارد جمعیت هلال‌احمر شد، می‌گوید: «از سال ۵۶ وارد جمعیت هلال‌احمر شدم. تصمیمی که آینده من را تحت تاثیر قرار داد و تا به امروز در این جمعیت عاشقانه خدمت کردم. سال ۵۷ در زلزله طبس اولین ماموریت امدادگری را تجربه کردم. بعد از آن در روند امدادرسانی زلزله لاریجان شرکت کردم و آنجا مسئول امدادونجات شدم. در این سال‌ها دیگر ارتقا نگرفتم و همان امدادگر باقی ماندم. هیچ پست مدیریتی نگرفتم. من با نام زیبای امدادگر آغاز کردم و با همین نام هم بازنشسته شدم. اتفاقا از این موضوع بسیار خوشحال هستم. من عاشق نام امدادگر هستم و با دل و جان کار کردم. سر صحنه‌های مختلف رفتم. من این مساله را به فال نیک می‌گیرم که رئیس و مدیر نشدم و سال ۸۵ با این نام بازنشسته شدم. بعد از بازنشستگی هم همچنان عاشقی ادامه دارد. عنوان ارزیاب سوانح را به من داده‌اند و باز هم این افتخار نصیب من شد که تجربیاتم را در رشته مدیریت بحران و مدیریت حوادث و سوانح در اختیار دانشجویان بگذارم و در این حوزه تدریس کنم.»

لحظه‌های تلخ زلزله رودبار

پیشکسوت جمعیت هلال‌احمر خاطرات تلخ و شیرین زیادی در حوادث مختلف دارد: «من در زلزله‌های زیادی شرکت کردم. مثلا در زلزله رودبار و منجیل یک سال در صحنه بودم. یک ماه آنجا می‌ماندیم و یک هفته به خانه‌مان بر می گشتیم . دوباره به صحنه بازمی‌گشتیم. یادم می‌آید که ساعت یک شب وقتی خبر زلزله را به ما دادند، به من زنگ زدند و گفتند سریع ماشین بگیر و بیا رشت. همسرم گفت «چی شده، این وقت شب کجا می‌ری.» گفتم جایی زلزله آمده من به اتفاق مدیرم می روم که منطقه را ارزیابی کنیم و زود برمی‌گردم. رفتم و یک ماه بعد توانستم به خانه برگردم. زمانی که از رشت به رودبار می‌رفتیم، پنج ساعت طول کشید. وقتی رسیدیم، صحرای کربلا بود. شیون و زاری بود. صحنه دردناک برای ما بچه‌هایی بودند که تمام خانواده‌شان را از دست داده بودند. با بهزیستی هماهنگ شده بود و آنها را تحویل آنجا می‌دادیم. حتی من یک بچه را پوشک کردم، شستم و با گریه او را تحویل بهزیستی دادم. آن لحظه‌ها را هیچگاه فراموش نمی‌کنم. در بحث آواربرداری، روستایی بود که کاملا زیر خاک رفته بود. هیچ آثاری از آن وجود نداشت. به طور کامل زیر آوار رفته بود. بعد از آن هم زلزله بم بود که در آنجا شرکت کردم. هرکجای کشور سیل و زلزله بود، ما هم آنجا بودیم.»

جوانی که می‌خواست خودکشی کند اما امدادگر شد

شعاعی به یک خاطره دیگری از زلزله بم اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «یک روز در کوچه و خیابان‌های بم گشت‌زنی می‌کردیم که جوانی را دیدم که روی آوار خانه خودش نشسته و سرش را میان دستانش گرفته بود. آن جوان توجه مرا جلب کرد. به راننده گفتم نگه دارد. پیاده شدم و رفتم پیش او. گفتم چه کمکی می‌توانم بکنم. بغضش ترکید. گفت اینجا را می‌بینی، هفت نفر از اعضای خانواده‌ام اینجا دفن شده‌اند. من هم می‌خواهم خودم را بکشم و بروم پیش آنها. یک طناب دارهم برای خودش درست کرده بود. همانجا بحث حمایت روانی را آغاز کردم. کنارش نشستم و گفتم قطعا خانواده‌تو راضی نمی‌شوند. تو باید زنده باشی و با انجام کار خوب، آنها را خشنود کنی. کلی با او صحبت کردم و در نهایت به او گفتم حاضری این لباس را بپوشی و به افرادی مثل خودت کمک کنی. آنجا بود که لبخند زد. لباس هلال را پوشید و به هلال‌احمر کمک کرد. در نهایت آن جوانی که می‌خواست خودش را بکشد، تبدیل به یک امدادگر موفق شد و به خاطر خانواده‌اش تصمیم گرفت جذب هلال‌احمر شود و در حوادث مختلف به مردم کمک کند. این اتفاق هم تلخ و هم شیرین بود و تا ابد در ذهن من مانده است.»

همیشه حق با آسیب‌دیده است

او در پایان صحبت‌هایش می‌گوید: «به عنوان امدادگر در حوادث جاده‌ای زیادی هم شرکت کردم. یادم می‌آید یک خودرو چپ کرده بود. همه زخمی شده بودند. وقتی بالای سر خانم خانواده رسیدم، به او گفتم خانم من امدادگر هستم و می‌خواهم شما را به بیمارستان منتقل کنم. این یک اصل بین‌المللی است که به مصدومی که به هوش است حتما باید خودتان را معرفی کنید و از او اجازه بگیرید. آن خانم هم هوشیاری داشت و گفت همسرم را صدا کنید. همسرش آمد و آن خانم گفت من اجازه نمی‌دهم نامحرم به من دست بزند. در نهایت با او صحبت کردم و آن خانم راضی شد. اگر همان ابتدا از او اجازه نمی‌گرفتم شاید شرایط بدی پیش می‌آمد. البته آن خانم وقتی به بیمارستان رسید، حالش که بهتر شد از من عذرخواهی کرد. ولی از نظر ما همیشه حق با آسیب‌دیده است و نمی‌توانیم آنها را در شرایط بدی قرار دهیم.»

امداد و نجات

۱۵ سال خدمت داوطلبانه

از سال ۸۸ وارد هلال احمر شدم. حدود ۱۶ سال است که با جمعیت همکاری می‌کنم. در شعبه ساوجبلاغ استان البرز فعالیت دارم. پیش از این مسئول آموزش و دبیر کمیته بانوان بودم، امدادگر و نجاتگر یک هم هستم. در مدت فعالیتم در صحنه‌های حوادث متعددی حضور داشته‌ام. تقریبا ۱۵ سال به صورت داوطلب کار کردم و در حال حاضر یک سال است که کارمند شرکتی شده‌ام. کارم را دوست دارم و در همه این سال ها هیچوقت دلزده نشدم. هلال احمر محیطی است که می توانیم کمک کنیم. اگر بتوانیم یک نفر را از مرگ حتمی نجات دهیم باعث افتخار است. همین مسائل باعث شد که جذب هلال احمر شوم و هیچوقت هم نتوانستم از این محیط جدا شوم.

یادم می‌آید که یک بار سر صحنه تصادف رفته بودم. یک خانواده تصادف کرده بودند. وقتی سر صحنه رسیدم با یک بچه پنج ساله مواجه شدم. پدر و مادر وضعیت خوبی نداشتند. بچه از بغل مادر به بیرون پرتاب شده بود. خیلی صحنه تلخی بود. ما کمکش کردیم و بعد از آن هم کلی پیگیری کردیم تا مطمئن شویم زنده مانده است. چون بچه خیلی بی تابی می کرد و اشک می‌ریخت. به شدت زخمی شده بود ولی از مرگ نجات پیدا کرد.

خاطره دیگری هم دارم که همیشه متاثرم می‌کند. خانمی مسن که مادر شهید بود در برنامه‌ای به مناسبت ۱۳ آبان ماه شرکت کرد. آن خانم پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر و یکی از پسرانش را در جنگ از دست داده بود. تمام همکاران برای دل این خانم گریه کردند. تا اینکه این خانم تنگی نفس و سنگینی در قلبشان احساس کردند که ما بالای سرشان رفتیم و بعد از اقدامات اولیه او را به بیمارستان منتقل کردیم. جوری حرف می‌زدند و گریه می‌کردند که دل همه به درد آمد. آن خانم برای مراسم آمده بود و می‌گفت وظیفه ماست که برای این مملکت، برای دل مادران شهدای گمنام بیایم. هنگام حضور بر سر مزار شهدای گمنام حالشان بد شد. آنجا قلبم واقعا به درد آمد و زار زار گریه کردم.

بانوی امدادگر: هلال احمر محیطی است که می توانیم کمک کنیم. اگر بتوانیم یک نفر را از مرگ حتمی نجات دهیم باعث افتخار است. همین مسائل باعث شد که جذب هلال احمر شوم و هیچوقت هم نتوانستم از این محیط جدا شوم

خانه هلال

تاسیس خانه هلال در منزل شخصی

شهرعلی‌اکبر در شهرستان هامون واقع شده است. جمعیت آن ۵۴۱۸ نفر است. از مکان های گردشگری آن می توان کوه باستانی خواجه، قلعه کافران و خانه‌های باستانی، قلعه چهل دختر، تالاب بین‌المللی هامون، نیزار سالاری و... را نام برد. خانه هلال شهید حاج قاسم سلیمانی در سال ۱۳۹۷ افتتاح شده است. مکان آن در منزل شخصی مسول خانه هلال است که یک اتاق را به آن اختصاص داده است.

از ابتدای تاسیس با پنج نفر کار را شروع کرده و تا به امروز به ۱۵۰ نفر شامل داوطلبان، جوانان و غنچه‌های هلال افزایش یافته است. خانم شهرکی که مسول خانه هلال شهید قاسم سلیمانی است به عنوان دبیر کانون روستاهم فعالیت می کند که توانسته کانون برتر جمعیت هلال‌احمر استان سیستان‌وبلوچستان شود.

از جمله فعالیت‌های این خانه هلال می توان به برگزاری کلاس‌های آموزشی هلال، برگزاری کلاس های طرح اوقات فراغت تابستان، انجام مانور زلزله، جمع آوری کمک‌های نقدی برای مردم مظلوم غزه و یمن، توزیع چهل عروسک به مناسبت چله شهید ریسی، توزیع نان، لباس گرم، بسته های غذایی و... اشاره کرد. همچنین اجرای طرح شناسایی و ارجاع زود هنگام افراد دارای معلولیت با همکاری صلیب سرخ و هلال احمر، شرکت در مراسمات مذهبی، اجرای مسابقات نقاشی، تشکیل زنجیره نه به اعتیاد، کاشت نهال برخی از مجموعه فعالیت‌های این خانه هلال است.